

## بررسی منابع و مأخذ شورش کردها در سال ۱۲۹۷ ه ق مصادف با ۱۸۸۰ میلادی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته‌ای (سال پنجم)

مجید آشوری<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه علوم تحقیقات تهران

نویسنده مسئول:

مجید آشوری

### چکیده

در سال ۱۲۹۷ هـ-ق، ۱۸۸۰ م، در دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار، منطقه شمال غرب ایران و آذربایجان، مورد حمله کردها به رهبری شیخ عبیدالله نهری قرار گرفت. این جنبش در ابتدا به شکل تجمع قبایل کرد ناهمگون شیعه و سنتی، ایرانی و عثمانی بوجود آمده بود. کردها به فرماندهی پسران شیخ عبیدالله نهری به سرعت و با استقبال کردهای مناطق غربی آذربایجان توانستند آنجا را تصرف کنند ولی بعد با مردم آذربایجان درگیر شدند و بسیاری از ساکنین آذربایجان را کشته و اموال آنها را به غارت برند. با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی منطقه آذربایجان، کشورهای منطقه مثل عثمانی و روسیه و فرماندهی انگلستان نقش‌های متفاوت و مهمی را در ایجاد، تداوم و در نهایت سرکوب جنبش ایفا کردند. حکام ایرانی در آذربایجان نیز با ظلم و تعدی نسبت به قبایل کرد سنتی مذهب، خود زمینه بوجود آمدن جنبش را ایجاد کرده بودند. از سوی روس‌ها نیز خواهان کشوری کردنشین به رهبری شیوخ نقش‌نده در کنار مرزهای خود نبودند. انگلستان در این جریان به دنبال امتیازات برای خود بود و از طرفی نفوذ بیشتری در هر دو کشور ایران و عثمانی داشت. برای خود می‌طلبید، ولی با پرنگ شدن حضور نیروهای روسیه در حمایت از ایران هر چه سریعتر خواهان رفع تنش بین ایران و عثمانی شد و در واقع به سرعت استراتژی خود را تغییر داد. این جنبش که در ابتدا به شکل تجمع قبایل کرد ناهمگون شیعه و سنتی، ایرانی و عثمانی بوجود آمده بود بخاطر همین تضاد‌ها و علل دیگر به سرعت از هم پاشید. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس اسنادی، کتابخانه‌های و تحلیلی می‌باشد.

**کلمات کلیدی:** شیخ عبیدالله نهری، ناصرالدین شاه قاجار، قبایل کرد، آذربایجان، انگلستان، عثمانی، روسیه

## مقدمه

علیرغم گذشت سال‌های متتمادی از جنبش شیخ عبیدالله نهری باید این نکته را اظهار کرد که هنوز علل ایجاد و تداوم این جنبش در سال ۱۲۹۷ هـ ق / ۱۸۸۰ م کاملاً محرز نشده است. زیرا بسیاری از اسناد و کتابهای مربوط به این جنبش یا اصلاً دیده نشده اند و یا بررسی درستی بر روی آنها انجام نشده است. این تحقیق درصد است جنبش شیخ عبیدالله نهری در سال ۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷ هـ در آذربایجان را بررسی نماید، جنبشی که به قول محمد حسن خان اعتماد السلطنه بعد از جنبش باب، مهم ترین واقعه ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار بوده است و نتایج و پیامدهای بسیاری برای مردم کرد و آذربایجان در برداشت و تا سال‌ها بعد اثرات آن در دیدگاه نویسنده‌گان و جامعه شناسان و سیاستمداران قابل مشاهده بوده است، و خسارات واردہ به کشور در اثر این واقعه تا سال‌ها بعد به صورت مالیات‌های اضافی بر دوش مردم تحمیل شد.<sup>۱</sup>

تلفات جانی این جنبش در سرزمین آذربایجان بر اساس اسناد و گفته‌های شاهدان عینی از سی هزار نفر تا صد هزار نفر بود و سال‌های بسیار به طول انجامید تا روستاهای آسیب دیده آذربایجان دوباره رونق بیابند.

شیخ عبیدالله بعد از حیثیت، اعتبار و املاکی که از طریق وراثت از پدرش، سید طاها نهری رئیس فرقه نقشبندیه، به ارث برد، در طی جنگ‌های روسیه و عثمانی ۱۸۷۷-۷۸ م / ۱۲۹۶-۹۷ هـ خود را به عنوان رهبر مذهبی و سیاسی کردها شناساند و البته با تسلیحاتی که بعد از جنگ در دست کردها باقی مانده بود به فکر کردستانی مستقل افتاد، خواسته‌ای که مسلمان دور از چشم دولت های همسایه سرزمینهای کردنشین و البته دیگر حکومت‌های ذی نفع نبود. ایرانی‌ها و عثمانی‌ها که قبایل و عشایر گرد در خاک تحت سلطه آنها زندگی می‌کردند، هردو این مسئله را برنمی‌تابیدند.

کردها بعد از مدتی کوتاه پس از پایان آخرین جنگ‌های روسیه و عثمانی، با طرحی قبلی از سه جهت به فرماندهی دو پسر شیخ عبیدالله به نام های شیخ صدیق و شیخ عبدالقدیر برای تصرف خوی، سلماس و تبریز به راه افتادند و خود شیخ نیز برای تسخیر شهر ارومیه به سوی آذربایجان هجوم آورد. اگرچه شیخ عبیدالله قبل از حرکت به سوی ایران، دلیل آن را رفع ظلم از مردم تحت سلطه حکومت قاجار ابراز کرد ولی هجوم شیخ به صورت خواست کردستانی مستقل با حضور سران قبایل کرد به عنوان گردانندگان آن سرزمین تغییر کرد.

شیخ عبیدالله نهری طی نامه‌ای که بواسطه جوزف کوچران، (Joseph Plumb Cochran) از میسیونر های امریکایی ساکن ارومیه، به کنسول انگلستان در تبریز نوشته بود این گونه اظهار کرده که «کردها ملتی هستند با پانصد هزار نفر جمعیت که از لحاظ نژادی و مذهبی با دیگران (ایرانی‌ها و ترک‌ها) تفاوت دارند. آنها در سرزمین خودشان قوانین مخصوص خود را اجرا می‌کنند. به همین خاطر است که من پسرانم را به ساوجبلاغ (مهاباد) فرستادم تا کردستان را یکپارچه کنند.<sup>۲</sup>» در همین حین شیخ عبیدالله در تلاش بود تا با دولت انگلستان جهت کسب حمایت آنها از جنبش خود، تماس حاصل کند.<sup>۳</sup>

در این ایام، نتایج کنفرانس برلن ۱۸۷۸ م / ۱۲۹۵ هـ به گوش کرد ها رسید، بند ۶۱ این پیمان خواستار اصلاحات وضعیت ارمنه ساکن شرق آن کشور بوسیله دولت عثمانی بود و به ارمنه این فرصت را می داد تا ارمنستانی مستقل با حمایت کشور های اروپایی در سرزمین های شرق عثمانی ایجاد کنند. شیخ عبیدالله نهری در واکنش به این خواسته دول اروپایی در گفتگویی با تومن پاشا، والی ایالت وان عثمانی گفت: چه می شنوم، ایالت ارمنستان مستقل در سرزمین کردها؟ من هرگز چنین اجازه ای نخواهم داد حتی اگر مجبور باشم زنان را در سپاهم جای دهم.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>- گزارش خفیه نویسان انگلیس در جنوب ایران-وقایع الاتفاقیه به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: آسیم، ۱۳۸۳)، ص ۱۳۰.

<sup>2</sup>- No 61.Thomson to Earl granvil.tehran.October.31,1880,Great Britain.turkey.5(1881),44.

<sup>3</sup>- Robert E.speer,"Hakim sahib," the foreign doctor: Biography Joseph Plumb Cochran, M.D. of Persia (New York: Fleming H Revel, 1911), 76.

<sup>4</sup>- Inclo.1 in No 7.Clyton to Trotter .Bashkala.july.11, 1880, Great Britain. turkey.5 (1881), 7.

از این گذشته، در آذربایجان بخصوص مناطق مرزی در غرب، ظلم و تعدی و زورگویی و رشوه گیری حکام دولت قاجار به نهایت خود رسیده بود و آنها به هر بهانه دست تعدی به جان و مال و ناموس مردم به ویژه کردها که از لحاظ نژادی و مذهبی با آنها متفاوت بودند دراز می کردند و آنها را هر چه بیشتر در جهت یک جنبش بزرگ بر علیه حکومت قاجار تحریک می نمودند.

### معرفی منابع و مأخذ

در این پژوهش شاهد چند بخش از منابع و مأخذ که بر اساس زمان و محل تالیف تفاوت دارند، هستیم. بخش اول که میتوان از آن به عنوان با ارزش ترین منابع اطلاعاتی در خصوص جنبش کردها و حتی اواخر دوره حکومت ناصرالدین شاه نام برد، شامل چند نسخه خطی می باشد که تاکنون مورد مطالعه و بازدید جدی قرار نگرفته اند. با وجود این که این نسخ خطی در ایران موجود هستند متأسفانه باید گفت که هنوز، حتی با تلاش های بی گیر اینجانب و تعدادی از دوستان، موفق به جمع آوری همه این نسخ خطی نشده ایم.

اطلاعات موجود در این نسخ، گاهی از ۵ صفحه تجاوز نمی کند و گاهی همچون رساله طغيان اکراد به نوشته علی افشار به بیش از ۵۵۰ صفحه بالغ می شود. شایان ذکر است که این نسخه ها در بسیاری از اماکن در ایران همچون کتابخانه های شخصی، موزه ها و حتی کاخ های دوره قاجار پراکنده هستند که اغلب به سادگی نمی توان به آنها دست یافت.

ارزش و اهمیت این منابع از آنجاست که اغلب آن ها توسط افرادی تالیف شده اند که نویسنده، خود شاهد عینی حوادث و جریان های جنبش شیخ عبیدالله در هجوم به آذربایجان بوده اند و گاهی با توجه به موقعیت نویسنده از نزدیک شاهد ظلم و تعدی ماموران دولتی و یا حکام قاجار بوده اند. لذا حتی با وجود الفاظ تند و گاهی رکیک به کار رفته در این مکتوبات، باز هم می توان نکات بسیار ظریفی را با بررسی دقیق آن ها ردیابی نمود.

### بخش نسخ خطی:

#### تاریخ خروج شیخ عبیدالله از جانب محال نوچه تبعه روم سنه ۱۲۹۷:

این نسخه ۱۷۵ صفحه ای در واقع قسمتی از نسخه بزرگتری به نام شورش اکراد(یا تاریخ افشار) در ۵۵۶ صفحه، تالیف علی افشار در سال ۱۳۱۲ ه-ق است. نوشنی این نسخه به قول مولف از سال ۱۳۰۶ ه-ق به دستور معتمد السلطان، محمد ابراهیم خان، پیشخدمت ولیعهد در تبریز تا ۱۳۱۲ ه-ق به طول انجامیده است.

نویسنده ضمن اینکه اعلام می کند بخاطر محصور بودن در شهر ارومیه، حاضر و ناظر بر حمله کردها به ارومیه بوده است، همان طور که خود در انتهای اثرش نوشته تلاش کرده تا ظلم اهل سنت به شیعیان را بازگو نماید. در واقع این اثر جریان حوادث را از دیدگاه مذهبی مد نظر قرار داده است.

از طرفی با بررسی دقیق این اثر اطلاعات بسیار با ارزشی از نحوه رفتار حکام آذربایجان و روابط آنها با مردم و همچنین چند پارگی نیروهای ایرانی حتی بعد از آنکه مورد هجوم نیروهای کرد قرار گرفتند حاصل می شود. مولف گاهی بسیار ظریف و البته بدون ترس و واهمه ای از اولیای امور، بی توجهی و بی خبری مسئولان بلند پایه در تبریز را نسبت به هجوم کردها به سرزمین های ایران ذکر کرده است.

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است، که نویسنده با توجه به حضور در شهر ارومیه، اطلاعات، اخبار و حوادث مربوط به مراغه و بناب و منطقه مرکزی آذربایجان را از شنیده های خود، آن هم بسیار خلاصه نوشته است. وی در اغلب موارد، در خصوص آمار نیروهای دو طرف درگیر، ایرانی ها

و کردها، مبالغه کرده و حتی کشته‌های جنگ را بیش از صد هزار نفر ذکر نموده است. این نسخه به شماره پیگیری ۳۸۷۲ در موزه نسخ خطی ملک در تهران در دسترس است.

#### تاریخ اکراد:

این نسخه خطی فارسی در ۱۵۰ صفحه، توسط شخصی به نام نظیری که خود در جریان محاصره ارومیه از سوی نیروهای شیخ عبیدالله، از محصورین شهر بوده نگاشته شده است. نگارش این اثر با فاصله زمانی بسیار کوتاه از حادث و جریانات جنبش شیخ عبیدالله، در سال ۱۲۹۹ هـ ق در تبریز به انجام رسیده است.

مقدار زیادی از اطلاعات موجود در این نسخه، بسیار مشابه اثر علی افشار است، با این تفاوت که به خاطر فاصله زمانی کوتاه با حادث، به بعضی اطلاعات ناب تر مثل ناهمانه‌نگ بودن نیروهای ایرانی و عدم سازماندهی درست این نیروها در منطقه درگیری بر می‌خوریم. در این نسخه نیز با توجه به محل حضور مولف در زمان واقعه، مطالب همان منطقه یعنی شهر ارومیه، بصورت دقیق نوشته شده و اطلاعات مربوط به منطقه مرکزی آذربایجان در آن موجود نیست.

همچنین مولف، اثر خود را بر همان اساس درگیری های بین شیعیان و اهل سنت نوشته و ریشه اصلی جنگ را اختلافات مذهبی دانسته است. نسخه یاد شده به شماره پیگیری ۹۷۷۷ در موزه و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم در دسترس است.

#### تاریخ عبیدالله:

نسخه خطی نام بده اثری است از مولفی نامعلوم در ۲۴۴ صفحه که در سال ۱۲۹۹ هـ ق به رشته تحریر در آمده است. نگارش این نسخه نیز از لحاظ زمانی با وقوع حوادث جنبش شیخ عبیدالله فاصله کوتاهی داشته است، با این اختلاف ارزشمند که حوادث را در خارج از شهر و منطقه ارومیه در شهرهای مراغه، بناب، هشتپرد و ملکان پیگیری کرده است. اغلب مطالب این اثر، حاوی اطلاعاتی در خصوص روابط مامورین حکومتی و مسئولان بلند پایه دولتی قاجار است. از طرفی اعمال و اقدامات سران قبایل کرد ایرانی مثل قراپاپاک، مامش و دهکری با دقت بسیار و تا جای ممکن ریزبینانه در آن نوشته شده است و همچنین محل استقرار و تحرکات این قبایل مورد نظر قرار گرفته است.

برای دست یابی به اطلاعات مربوط به جنبش شیخ عبیدالله باید دقت بیشتری در این نسخه صورت گیرد، زیرا تنها در سه فصل ابتدایی این کتاب اطلاعاتی مربوط به هجوم شیخ عبیدالله به آذربایجان موجود است. در این اثر مولف بیشتر به سویی رفته است که اثرات جنبش را که تاثیر مستقیم بر روابط سران قبایل کرد ساکن ایران و مامورین دولتی داشته را مورد بررسی قرار دهد.

از دیگر ایرادات این نسخه اولاً ثبت نشدن تاریخ وقایع می‌باشد، ثانياً این منبع هیچ اشاره‌ای به جنگ ارومیه که خود شیخ عبیدالله در آن حضور داشته ننموده است. این نسخه به شماره پیگیری ۱۰۴۴۶ در موزه و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم در دسترس است.

**هُوَ الْوَاقِفُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِلْوَفْتَابِعِ**

اول دفتر بام خدا نهضت بني صلواس اند و دلار عيلده و به يك همچوگان را ملام به تهاعات  
حضرت ربان لادر باب مختار بزرگ سپاهيان و دهقاني پايان زندگان خوش شيج خوش آريغه و هنر عيده كه ادرا  
مخلس دمدي پيشنهاد نهدي كه كافي است اخراج دار و عرض نايم كه مستعين باز خروج آن مدرن پچش بمدري  
جهنم سلطنت  
من و اطلع به بيرساند: اما همسن: اولا و پايان نزد حسب آن عز غب يك به تهاده  
خدوش پنهان حسب نسبت دارد و خوش در كجا هست: شیخ عبد الله پهلوی شیخ طاها هست به تهاده  
پنهان  
سي جليل نقد و ارسانه است طبا طبا تهنيست در عده خانان بندرود مخصوص فرهنگ شهنشاهي نورالله  
کمال ميل و معرفي شد طبا و شفاف هر چند خوش خانان رنگ عالمي به روز بخوبی مسکن شد و دلي عالم

هُوَ اللّٰهُ

آمّا مِنْ أَيْمَانِكَ سَيِّدُ الْأَشْرَارِ وَالْأَبْرَارِ يُسَلِّمُ إِلَيْكَهُ لِمَنْ يَعْلَمُ  
بِهِنْ شَخْصٌ بَعْضُ يَدِ الْمُعْذِنِيَّةِ وَأَكْرَادُ بَدْرِهِ دَارُوا دَفْعَةً وَمَرْيَمُ بُوْدَنْ أَصْحَابِ الْمُنْجَلِّيَّةِ  
شَرْوَجُ آنْمَزْ دَدْ كَهْلَطُورُزْ دَوْهَرْجَهْ شَنِيدْ دَدِيدْ آنْزَرْمَيِّيِّيَّهُ اسْتَقِي  
دَدْ سَتِيِّ بُوْنْ كَمْ كَرْبَشَحَجَهْ فَلَمْ دَهْرَشَتْهَ غَرْغَنْ يَدِ تَمَّارَهِيِّيَّهُ سَيِّفَازْ  
رَوْشَنْ دَهْرَهِنْ شُوْدَ بُوْنْ شَكْ دَرْبَبْ حَوَادَهْ  
كَا تَبْ رَاجِهِ عَائِي خَسْبَرْ بَادَ دَشَادَ فَرَمَا يَنْدَ

وقن کی تجارتی عمومی حضرت آیت اللہ العظمی مرحوم عینی (ره)  
سال: ۱۳۵۲ هـ

15

نمایش نفع یه باقی الودله بر ساخت شیخ فادر پرسش برای اجازه  
کردن محال خسرو طاجی حسین خان و بعد امسی همان وی مخصوصاً بجهت کرد  
بعد زنگ نمایش از خزانه که شک در پارخواه و خان اوراد شدند خاطر چون  
دینرا لفظ کاغذ دوست نه بغرب اخلاقان باقی الودله بتوسیه فدر پرسش  
عرض نموده میوسم ولایصالح در آن سهت که خوشی شیخ فادر را چاره پرسیده  
رسول این عمل بشده بخوبی شیخ نخن فاقد همان نیاعت کاغذ دوست نامه زیاده  
ارغد صحراء فرزن به ارادت دیند که دولت شمش باقی الودله ریشت کاغذی  
بکجی حسینی و بعد المیعنی فریشت چون ایشان هم طوف ارادت بذکر  
شیخ را گردان اند نهست هنگام کنون خود خود را باشان گذاشت امن و باید شیخ فادر را  
با حکما سنجیده عالی مفتخری الملام محبت میپرسیده شیخ فادر دیمه رسیده باقی الودله

شک تازه را پیشان در فقره را پیشید معنی را پیشست صبحی صدیق داده اور اقبل سام  
محبی خود بکی از مریدان خاص خود از راه نسبت بین برادرزاده های قمی موده که  
فرار سکم پیش خبر دادند که خاص عالم در سر جبو پیش خبر باشد نیز همین شعر  
رفته سوره فراحت نموده بنا که کدشت از برادر صدیق احمد زند که اعیان سیدالمریضین حضرت  
رسول را که فرموده خدا بدو چند نزد قبلین شماره نازیع کفم عال چنان خیر دخواست  
دارید آنکه روز در جمع سیاه را از دست طلم بجات بدی غلی از قدم دیده اند  
که نیانک اورده اند هر سه نمک و رب را از دل پر کنند تذکرای  
معدن نخاپنده دیگر روی آنها بناه خاپنده سلام حضارت کردش اوره  
بروند بعدها بآن ساعت بدرست دهی ایش فنا که توبه داده بخود نهاد شنیدم گفت برید  
این فضل از تیغه رات نمایند کشتم و من بعد ازین نکنید اگر چند راه نهاده در لایه خرا پیشنهاد  
جذب نمایم

## صورت خسارات و غارت ولایت مراغه و محالات آن:

این نسخه ۳۰ صفحه ای در سال ۱۲۹۸ ه-ق احتمالاً توسط مامورین دولتی نوشته شده است که در صدد اعلام وضعیت خسارات واردہ به زمین‌ها و یا دادن آمار مقتولین جنگ با نیروهای کرد بوده‌اند. اطلاعات موجود در این اثر بیشتر در مورد منطقه مراغه و اطراف آن است. ایراد این اثر در آن است که تنها به آماری از تعداد سربازان کشته شده در جنگ و یا بعد از آن اشاره می‌کند. این نسخه به شماره پی گیری ۱۳۲/۱ در بایگانی اسناد وزارت امور خارجه در دسترس است.

**فتنه شیخ عبیدالله کرد (گزارش‌هایی از وقایع حمله اکراد به صفحات آذربایجان در دوره قاجار) :**

این کتاب حاصل کوشش دکتر یوسف بیگ باباپور و دکتر مسعود غلامیه است که در سال ۱۳۹۰ با جمع آوری و تصحیح گزارش‌ها، نامه‌ها و تلگراف‌های موجود در کاخ موزه گلستان به رشتۀ تحریر در آمد. این کتاب حاوی نامه‌های ناصرالدین شاه، ولی‌عهد، ماموران و مسئولان بلند پایه حکومت قاجار است که اغلب آن‌ها در ارتباط با جنبش شیخ عبیدالله نهری است. اگرچه نام کتاب، تداعی کننده جبهه گیری کتاب در مقابل شورش کرده‌ها است، ولی در این اثر، ما شاهد اسنادی هستیم که نشان از وضعیت بی‌سامان اجتماعی، اقتصادی آذربایجان و وضع نامناسب ارتش در آن دوره ایران است.

اگرچه مصححین در مقدمه کتاب دچار اشتباهاتی از جمله تابعیت تیمور پاشاخان شده اند ولی با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات درست و دقیق درباره جنبش شیخ عبیدالله، اسناد موجود در این اثر بسیار ارزشمند است و در پژوهش‌های دوره قاجار بخصوص اواخر آن اثر گذارند. یکی از نکات با ارزش کتاب یاد شده، دسترسی به نام و هویت مسئولان بلند پایه حکومتی به غیر از القاب آن هاست، از سویی، در این کتاب دشمنی‌ها و درگیری‌های درونی دولت مردان دوره قاجار به روشنی دیده می‌شود. از ایراد‌های این کتاب می‌توان به عدم ذکر تاریخ اغلب تلگراف‌ها اشاره کرد، زیرا برخی از این اسناد و نامه‌ها حتی با تلاش‌های زیاد مصححین، از لحاظ زمانی در جای مناسب خود قرار ندارند، و این مورد خواننده را دچار اشکال می‌کند.

## بخش زندگی نامه‌ها و شرح حال رجال

تعدادی از منابع موجود که گاهی اطلاعات بسیار محدود و البته مفیدی در اختیار ما می‌گذارند شامل منابع دست اولی هستند، که بصورت روزنامه خاطرات و شرح حال افراد، توسط خود آنها و یا دیگر مورخین نوشته شده‌اند. البته با بررسی فصول مربوط به دوره زمانی مد نظر، ۱۲۹۶-۱۲۹۸ هجری قمری، می‌توان به اطلاعات مفیدی دست یافت. شایان ذکر است تعدادی از این شرح حال و زندگی نامه‌های نوشته شده مربوط به نویسنده‌گان ایرانی و تعداد دیگری از آنها با توجه به حضور مستشاران بیگانه در ایران، اثر آنها است.

**روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه:** این اثر نوشته محمد حسن خان صنیع الدوله ملقب به اعتماد السلطنه است که در دوره ناصرالدین شاه زندگی می‌کرده است. این کتاب غیر از اینکه حوادث و جریانات را بصورت روزانه ثبت کرده، حاوی نکات قابل توجهی از زندگی رجال و وضع اجتماعی و زد و بندهای سیاسی و مسائل پشت پرده مسئولین در دوره قاجار است که با توجه به جایگاه مولف، قابل دسترس بوده است.

بیشتر اطلاعات این کتاب در خصوص جنبش شیخ عبیدالله مربوط به دوران بعد از شکست و هزیمت کرده‌ها، و مربوط به دستگیری و فرار مجدد شیخ از استانبول است. مولف وضعیت و حالات دربار ایران و ناصرالدین شاه را از نزدیک مشاهده کرده و به رشتۀ تحریر در آورده است.

**شرح حال عباس میرزا ملک آراء:**

عباس میرزا ملک آراء ، برادر ناصرالدین شاه از سوی پدر بوده است و از مادری گُرد زاده شده است، از طرفی مادرش از پیروان شیخ طاها نهروی پدر شیخ عبیدالله بوده است. وی، خاطرات و زندگی نامه خود را بطور مبسوط و دقیق در اثر خود نوشته که شامل قسمت هایی از دوران سلطنت ناصر الدین شاه نیز هست. این اثر در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی توسط استاد عبدالحسین نوائی جمع آوری و به کتاب تبدیل گشت. اطلاعات این کتاب بسیار جامع است و شامل آمدن ناصر الدین شاه به تهران، تا قتل او در سال ۱۳۱۳ هـ است. مولف در بخشی از کتاب، جریان ارسال دعوت نامه از سوی شیخ عبیدالله به خود را به تفصیل نوشته است.

### شرح حال رجال نامدار ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری:

این کتاب در شش جلد تحریر شده که همان طور که از نام آن پیداست شرح حال افراد نامدار و اثر گذار دوره قاجار در آن جمع آوری و نوشته شده است. در جلد های ۴ و ۵ این اثر به زندگی نامه شیخ طاها و شیخ عبیدالله نهروی اشاره شده است. همچنین از نکات مفید این کتاب شرح مختصری از زندگی و اعمال برخی از ماموران دولتی قاجار، از جمله امیر نظام گروسی و مصطفی قلیخان اعتماد السلطنه است، که نقش مهمی در جنگ با کردها در این جریان داشته اند.

این کتاب گرچه اطلاعات بسیاری از اشخاص دوره قاجار بخصوص دوره ناصر الدین شاه ارائه می کند ولی از لحاظ شناخت القابی چون اعتماد السلطنه که گاهی همزمان به دو یا چند نفر داده می شده ناتوان است. از سویی بامداد در این اثر با ارزش، در ذکر فعالیت های برخی اشخاص، سند و یا مدرک معتبری ذکر نکرده است. از نکات مفید این کتاب می توان به گنجاندن تصاویر برخی افراد دوره قاجار در آن اشاره کرد.

### زندگی نامه جوزف پلامب کوچران، Joseph Plumb Cochran، میسیونر پزشک در ایران:

بعد از خواندن دقیق متون و نسخ خطی موجود متوجه شخصی به نام حکیم صاحب(Hakim Sahib) یا همان دکتر کوچران، میسیونر امریکایی ساکن در ارومیه می شویم. این فرد که از میسیونر های مذهبی امریکایی حاضر در ارومیه بوده است شرح کاملی از زندگی خود را نوشته که بخشی از آن مربوط به زندگی شیخ عبیدالله و جنبش است. لذا نسخه اصلی آن از طریق کتابخانه ملی آمریکا و کانادا تحت عنوان:

### A BIOGRAPHY OF JOSEPH PLUMB COCHRAN, M.D. OF PERSIA

به دست آمد. زندگی نامه این شخص در سال ۱۹۰۵ م در نشریه بوفالو به طور خلاصه چاپ شد و در سال ۱۹۱۱ م بطور کامل توسط رابرт اسپیر در ۴۳۱ صفحه در آمریکا منتشر گشت.

با توجه به ملاقات دکتر کوچران با شیخ عبیدالله نهروی که در سال ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶ هـ اتفاق افتاده بود و دکتر کوچران، به بهانه معالجه شیخ به محل زندگی او در روستای نهروی رفته بود و تا آخرین روزهای زندگی شیخ از بهترین دوستان او بود دارای نکات بسیار مهمی از جمله حوادث قحطی بزرگ سال ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶ هـ در منطقه قفقاز و آذربایجان است. در واقع بسیاری از اطلاعات در خصوص زندگی شخصی شیخ عبیدالله، رفتار و کردار او که در دیگر منابع به آنها بر می خوریم از این زندگی نامه برداشت شده است.

از طرفی، شیخ عبیدالله بسیاری از نامه ها و درخواست های خود را از طریق همین شخص به کنسول گری های انگلستان در وان عثمانی و تبریز می رسانده است.

بخش ۶ (صفحه ۶۵ تا ۱۳۰) این زندگی نامه حاوی اطلاعاتی درباره ایران و بخصوص منطقه آذربایجان است و بخش ۷ با نام Kurdish Invasion مربوط به هجوم کردها به آذربایجان است که آنرا از ابتدا تا شکست و هزیمت کردها شرح می دهد. با توجه به حضور دکتر کوچران در هر دو سوی جبهه، ایرانی ها و کردها، اطلاعاتی که او در این بخش ارائه می کند بسیار جالب و مهم است.

در بخش بعدی تحت عنوان Old Foes and New Friend نویسنده به درگیری های دیپلماتیک بین ایران و عثمانی اشاره کرده و نقش دول روسيه و انگلیس را در این جریان مد نظر قرار داده است، از طرفی وی به نقش کاپیتان واگنر، از فرماندهان اتریشی حاضر در سپاه ایران که برای

سرکوب شورش کردها، به همراه ارتض ایران اعزام شده بود نیز اشاره کرده است. این زندگی نامه هنوز به فارسی ترجمه نشده و مورد بررسی قرار

## VII

### THE KURDISH INVASION

**D**R. COCHRAN'S connection as a young medical missionary of twenty-five with the great Kurdish chief, Sheikh Obeidullah, and with the invasion which he led into Persia is more like fiction than sober missionary history. Next to the Sultan and the Sheriff of Mecca the Sheikh was the holiest person among the Sunni Mohammedans. Thousands were ready to follow him as the vicar of God. He was a descendant of Mohammed, and claimed to be of the line of the caliphs of Bagdad. He was a man of some real virtues of character, vigorous, just, and courageous. He had conceived the ambition of establishing an independent Kurdistan, uniting all the Kurds under his rule, and governing them justly, after his rough Kurdish notions, as a free state. He was, for a Kurd, a man of wide and tolerant sympathy. He wished to be on good terms with foreigners, and he was very fair to the Christians. Two years later when the Sheikh's dream had vanished and he was a prisoner in Constantinople, the Sultan asked him to write a paper describing the condition of the people in Kurdistan. The Sheikh wrote in his paper a great deal about the Nestorian Christians there, praising them as the best subjects of the Sultan. The Sultan objected to such language, and three times returned the letter for correction. Finally the Sheikh said, "I don't know much about politics, but I do know some-

74

نگرفته است.

تصویر قسمتی از کتاب زندگی نامه دکتر جوزف پلامب کوچران

ایران و قضیه ایران:

این اثر، در دو جلد نوشته جرج ناتانیل کرزن (George Nathaniel Curzon) مستشار انگلیسی است که در اواخر دوره ناصر الدین شاه در ایران حاضر بوده است. کتاب در سال ۱۸۹۲ م در لندن منتشر و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در ایران توسط وحید مازندرانی ترجمه و چاپ شده است. این کتاب اطلاعات بسیار کاملی از وضعیت جغرافیای طبیعی، سیاسی و روابط اجتماعی ایران در اختیار خواننده می‌گذارد. از ابراداتی که می‌توان به این اثر گرفت این است که با توجه به ملیت انگلیسی نویسنده، نوشه های او بصورتی یک جانبه نقش انگلیسی ها و میسیونر های امریکایی حاضر در ایران، به ویژه در تبریز و ارومیه را بسیار پر رنگ نشان می‌دهد، تا جایی که در جریان محاصره ارومیه، توسط نیروهای شیخ عبیدالله، حکیم صاحب یا همان دکتر جوزف پلامب کوچران به همراه جرج ویلیام ابوت، کنسول انگلستان در تبریز، را موجب رهایی مردم ارومیه می‌داند و اظهار کرده که این دو باعث به تاخیر افتادن حمله شیخ عبیدالله به شهر ارومیه شده اند.

**شرح احوال سلطان عبدالحمید ثانی:** این کتاب کوچک هشتاد صفحه‌ای، شرح حال مختص‌ری از وضعیت کشور عثمانی و رفتار و کردار سلطان عبدالحمید دوم است که بخش کوچکی از آن در مورد روابط او با کردهای ساکن سرزمین‌های شرق عثمانی است. کتاب توسط فردی فرانسوی نوشته شده که توسط محمد حسن خان اعتماد‌السلطنه به فارسی ترجمه شده است.

#### تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز موسوم به جغرافیای مظفری:

مؤلف این کتاب نادر میرزا، پسر بدیع‌الزمان میرزا قاجار است. این اثر در سال ۱۳۲۳-هـ چاپ سنگی و در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی در تهران چاپ شد. این کتاب حاصل چهل سال تلاش مؤلف است که علاوه بر مشاهدات خود، اطلاعاتی را که از مردم تبریز یا دیگران می‌شنیده در اثر خود تا جای ممکن ثبت می‌کرده است. اطلاعات موجود در این کتاب نیز بسیار صادقانه و بدون ترس و واهمه بیان شده و نویسنده هرگونه ظلم و تعدی حکام قاجار را بطور کامل شرح داده است. بخش مربوط به شورش کردها در این اثر با عنوان خروج و طغیان شیخ عبیدالله مطابق ۱۲۹۷-هـ آمده است. مؤلف شروع حوادث این جنبش را همانند نسخ خطی یاد شده در بالا، با فارح حمزه آقا منگور(رئیس ایل منگور) به سوی شیخ عبیدالله آغاز می‌کند و در نهایت بدون نتیجه گیری و جبهه گیری خاصی و یا حتی ذکر جزئیات بیشتر به این قسمت خاتمه داده است.

#### روزنامه‌های معتبر منتشر شده در سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۳ / ۱۲۹۶-۱۳۰۰ م / ۵-ق

بی‌تردید، روزنامه‌های منتشر شده، حاوی اطلاعات مهمی هستند که با توجه به هم‌زمانی انتشار آن‌ها با وقوع حوادث ارزش‌والایی دارند. اگرچه بیشتر اطلاعات موجود در این روزنامه‌ها مربوط به حوادث بعد از هجوم کردها به آذربایجان، بخصوص کشتار میاندوآب، است، ولی با بررسی روزنامه‌های سال ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶-هـ به برخی زمینه‌های جنبش شیخ عبیدالله نهری و همراهی تعداد کثیری از کردها با او می‌توان پی برد.

این روزنامه‌ها به دو بخش روزنامه‌های: الف - آمریکا و ب- استرالیا تقسیم شده‌اند.

الف-از روزنامه‌های آمریکایی روزنامه New York Times مورد بررسی قرار گرفته است. این روزنامه از لحاظ اطلاعات منتشر شده ارزش زیادی دارد، ضمن آن که مطالب آن از لحاظ زمان انتشار به زمان وقوع حوادث نزدیک‌تر بوده است. لذا اطلاعات موجود در آن دقیق‌تر و البته مفصل‌تر نوشته شده است.

ب-با توجه به این که کشور استرالیا تا سال ۱۹۰۱ م جزئی از بریتانیای کبیر بود، مقالات و منابع منتشر شده در روزنامه‌های آن کشور منعکس کننده اطلاعات منتشر شده توسط کشور انگلستان بوده است. با این وصف مقالات چاپ شده در این روزنامه‌ها با فاصله زمانی ۲ تا ۴ روز با وقوع حوادث منتشر شده‌اند. در ضمن از ایرادات این منابع می‌توان به اشتباهات موجود در آن‌ها اشاره کرد. به عنوان نمونه در ابتدای حمله کردها، منطقه مورد هجوم آن‌ها بجای ایالت آذربایجان، ایالت عربستان یاد شده است.

**THE KURD INVASION OF PERSIA.  
TOWNS DESTROYED AND THE INHABITANTS  
BUTCHERED—TROOPS HURRIED FROM  
TEHERAN.**

TEHERAN, Oct. 28.—It is said that the Kurds are firing into the town of Urumivate, Northern Persia. The town of Khoi, in the same province, is also threatened by them. Another body of the barbarians destroyed Mahmudjet, two miles from Sainkaleh. The reinforcements of Persian troops on the way from Tsherau are a week's journey from Sainkaleh.

There are rumors from Tabriz that the Kurds under Sheik Abdullah have taken Urumiah. No further news has been received from the British Consul at Urumiah, the telegraph wires to Khor having been cut for the last three days.

LONDON, Oct. 29.—A dispatch from Meshed states that 20,000 Kurds, under Sheik Abdul-lah, are advancing on Tabriz. They are now at Maragha. They have massacred the entire population of So-Uj-Bolak. The garrison of Tabriz is only 2,000 strong. Reinforcements of 7,000 men, 20 guns, with 5 Austrian officers, under command of an uncle of the Shah, have been hurriedly sent from Teheran.

A dispatch from Teheran says the First Kurd Division evaded the Tabriz troops, and has gone south in the direction of Hamadan. The Teheran division has gone to encounter it. The Kurds occupy 3,000 square miles of Persian territory.

**The New York Times**

Published: October 29, 1880  
Copyright © The New York Times

حمله کردها به ایران(پوشیا): از جمله مفید ترین منابعی که در این تحقیق از آن بهره گرفته شده است مجموعه نامه ها و تلگراف های کنسول گری ها و سفرای بریتانیا در کشورهای ایران، عثمانی و روسیه است که در مجموعه ای بنام

**CORRESPONDENCE RESPECTING THE KURDISH INVASION OF PERSIA**

توسط دفتر مجلس عوام انگلستان در سال ۱۸۸۱ م turkey. 5 در مجموعه منتشر شده است.

این مجموعه شامل ۸۹ نامه و دهها ضمیمه است که طی سال های ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۱ م ۱۲۹۷-۱۲۹۸-۵-ق در جریان هجوم کردها به ایران توسط مسئولان دولتی انگلستان رد و بدل شده است. شایان ذکر است تعدادی از ضمیمه های این نامه ها مربوط به سفرای کشور های روسیه و عثمانی و البته ایران است که حاوی اطلاعات دست اول و بکری است.

همانطور که ذکر شد، این مجموعه در سال ۱۸۸۱ م/ ۱۲۹۸ هـ به دستور دفتر مجلس عوام انگلستان جمع آوری شده است. با توجه به حضور نمایندگان دولت انگلستان در منطقه جنبش، مثل ایالت وان، ارز روم، تبریز و ارومیه، و دسترسی ماموران انگلیسی با در نظر گرفتن جایگاه و نقش شان، این نامه‌ها دارای اطلاعات بسیار ارزنده‌ای هستند که متأسفانه تاکنون در ایران نه ترجمه‌ای از آنها صورت گرفته و نه به آن‌ها توجه شده است.

با بررسی دقیق این اسناد، دیدگاه‌های مسئولان بلند پایه کشور‌های درگیر با شورش کردها، بخصوص انگلستان، قابل روایی و تشخیص هستند. به عنوان نمونه در ضمیمه یکم از نامه شماره ۵۵ از این مجموعه، جنرال ویلیام ابوت، کنسول انگلستان در تبریز، گزارش مفصلی از میزان مالیاتی که نسطوریان ارومیه می‌بایست به حکومت ایران پرداخت کنند ارائه کرده است.

همچنین تعدادی از ضمیمه‌ها که به لندن مخابره شده‌اند، ترجمه نامه‌هایی هستند که شخص شیخ عبیدالله به پسرش عبدالقدار در جریان جنگ در آذربایجان ارسال کرده است. قابل توجه است که تعدادی از نامه‌ها که توسط فرماندهان ترک دولت عثمانی نوشته شده‌اند، با اصل و ترجمه آن‌ها در این مجموعه آورده شده است. این اسناد در کتابخانه کرد و کردستان در استکهلم سوئد به مدیریت آقای دکتر گوران و دفتر مجلس عوام انگلستان در لندن در دسترس است.

Correspondence respecting the Kurdish Invasion of Persia.

No. 1.

*Mr. Thomson to Earl Granville.—(Received June 22.)*

My Lord,

I HAVE the honour to report that I have had several conversations with the Minister for Foreign Affairs on the subject of the depredations committed by the Kurdish tribes inhabiting the Turco-Persian frontier, and have urged upon his Highness the expediency of his entering into a formal agreement with Turkey for keeping these tribes under control and for preventing them from taking refuge across the border when pursued by the authorities and troops of either country.

His Highness has assured me that he is not only willing but desirous to conclude such an arrangement with the Porte, and that as soon as the Turkish Ambassador here has received the necessary authority to negotiate a Convention for that purpose the matter will receive his earnest attention.

Fahri Bey has been informed by telegram from Constantinople that a draft Convention on this subject will shortly reach him, which he is authorized to submit to the Persian Government; but the despatch referred to in that communication has not yet been received by his Excellency.

I have, &c.  
(Signed) RONALD F. THOMSON.

No. 2.

*Earl Granville to Mr. Goschen.*

Sir,

YOUR Excellency will perceive from Mr. Thomson's despatch of the 14th May, of which a copy is in your possession, that the Persian Minister for Foreign Affairs expresses his readiness to enter into a formal agreement with Turkey for the repression of the incursions committed by the Kurds inhabiting the Turco-Persian frontier. If the draft Convention on the subject which it is stated the Turkish Ambassador at Tehran is expecting to receive has not already been forwarded to him from the Porte, your Excellency should urge that no time should be lost in transmitting it to his Excellency.

I am, &c.  
(Signed) GRANVILLE.

No. 3.

*Earl Granville to Mr. Thomson.*

Sir,

HER Majesty's Government are glad to learn, from your despatch of the 14th ultimo, that the Persian Government is ready to enter into a formal agreement [396] B

کتاب ها و مأخذ معاصر

این کتاب ها نیز به سه بخش تقسیم می شوند:

الف- کتاب های تالیف شده توسط شرق شناسان، مورخان و نویسنندگان معاصر که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

جنبیش ملی کرد، نوشته کریس کوچرا، این کتاب چنانچه از نام آن مشخص است، در بخش مربوط به جنبیش شیخ عبیدالله نهری، جریان را تنها ملی گرایی کردها به رهبری شیخ عبیدالله مربوط می سازد و به شکل مبالغه آمیزی کردهای ساکن ایران را اسرای در بنده می داند که شیخ می خواست آن ها را آزاد کند. از طرفی هیچ بحثی را درباره اختلافات مذهبی موجود در حوادث جنبیش مطرح نمی کند.

تاریخ معاصر کرد، نوشته واسیلی نیکیتین، این کتاب مسئله استقلال ارمنه را دغدغه اصلی شیخ عبیدالله می داند و مسائل و زمینه های دیگری که باعث جنبش شده را بطور کامل دور از نظر نگه داشته است. ولی در کل اطلاعات مفیدی ارائه می کند.

گردها، نوشته کندال عصمت شریف وانلی و مصطفی نازدار، نویسنده گان این اثر مقصراً اصلی را دولت قاجار و حکام منطقه در آذربایجان می دانند و هرگونه دست داشتن دولت مردان عثمانی را در جریان شکل گیری جنبش منکر می شوند. از طرفی مطالبی در این کتاب آورده شده که نویسنده گان سند معتبری برای تایید آن ارائه نمی کنند. کتاب یاد شده مسلح شدن نیروهای کرد در منطقه را نه توسط عثمانی ها بلکه بوسیله انگلیسی ها می داند که در هیچ منبع دیگری از آن یاد نشده است.

تاریخ معاصر گرد، نوشته دیوید مک داول، این کتاب جنبش شیخ عبیدالله را بسیار دقیق و ریزبینانه مورد پژوهش قرار داده است و از اغلب منابع و اطلاعات موجود بهره گرفته است. البته باید ذکر کرد که بیشتر بخش های این کتاب در خصوص حوادث ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۵ م سرزمین کردستان، ایران و عثمانی است. از طرفی او نیز مسئله ناسیونالیسم کرده را بزرگ نمایی کرده است.

### ب-کتاب های معاصر نوشته شده توسط نویسنده گان و پژوهشگران ایرانی

این تالیفات با توجه به دسترسی محدود نویسنده گان آن ها اغلب حاوی اطلاعات کمی هستند و برخی نیز با توهمندی دول بیگانه، مثل انگلستان و عثمانی نوشته شده اند و مطالعه آن ها نیازمند به دقت بیشتر خوانندگان است.

اوضاع سیاسی کردستان نوشته مجتبی بروزی، این کتاب ضمن شرح مفصلی از جنبش شیخ عبیدالله و حوادث آن، به نحوه قدرت گیری او و دخالت های بیگانگان در راه اندازی و تداوم جنبش اشاره می کند و نویسنده در آن با دیدی بسیار منفی جنبش شیخ عبیدالله نهری را ارزیابی کرده است.

سرزمین زرتشت، نوشته علی دهقان، کتاب مذکور بیشتر به نقش سران قبایل کرد در شکل گیری و در نهایت شکست جنبش پرداخته است و تنها جنبش شیخ عبیدالله نهری را در چند صفحه آن هم به صورت خلاصه ذکر کرده است.

کرد و کردستان، نوشته صدیق صفائی زاده، نویسنده در این کتاب شرح کاملی از اشخاص بزرگ کرد و شهرهای کردستان آورده است و در ضمن به روابط قبایل کرد با همدیگر، بخصوص قبایل ایرانی، اشاره کرده است. در این اثر در خصوص شیخ عبیدالله و خاندان او نیز بصورتی خلاصه اطلاعاتی موجود است.

### ج-کتاب های تالیف شده توسط نویسنده گان و پژوهشگران گرد

تعدادی از این کتاب ها به زبان کردی هستند. بعد از بررسی این آثار، مشخص می شود، که در حقیقت ترجمه هایی هستند از کتاب های فارسی، به گُردی که با مقداری حذف و یا اضافه توسط نویسنده گان آن ها، اغلب در سلیمانیه عراق به چاپ رسیده اند.

راپه رینی شیخ عوبه یدوللای نه هری، به کوشش محمد امین بیژنیگرد آوری شده است، این کتاب ترجمه ای از کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز نوشته نادر میرزا است، با این تفاوت که نویسنده ضمن خلاصه کردن اثر نادر میرزا، تعدادی از اطلاعات آن را دستکاری کرده است تا جنبش بیشتر حالت قیام بر علیه ظلم حکام آذربایجان در دوره قاجار را به خود بگیرد.

راپه رینی هه مزه آقای مه نگور، نوشته محمد باقی، این کتاب نیز اقتباسی از کتاب های شرح حال عباس میرزا ملک آراء و تاریخ و جغرافی دارالسلطنه است که به کردی ترجمه شده و عنوان تازه ای به آن داده اند.

اختلاف این کتاب با دیگر آثار در این است که کل جنبش را مربوط به رهبری حمزه آقا رئیس ایل کردی منگور می‌داند. وقایع موجود در این کتاب از سال ۱۸۵۴ تا ۱۸۸۱ م ۱۲۹۸-۱۲۷۰ هـ ق است، و حاوی تعدادی از نامه‌ها است که بین شیخ عبیدالله نهری و حمزه آقا منگور رد و بدل شده است. ولی محمد باقی، سند معتبری برای این نامه‌ها ذکر نکرده است.

حاصل سخن:

شورش کردها در آذربایجان بیش از ۳۰۰۰۰ کشته از شیعه، سنتی ، ارمنی و یهودی بر جای گذاشت . شهر های میاندوآب ، بناب، ارومیه تخریب و غارت شدند ، البته قسمتی از این غارت توسط نیروهای دولتی ایران صورت گرفت.از آن سو اگر چه جنبش شیخ عبیدالله نهری به عنوان اولین و بزرگترین جنبش استقلال خواهی و ملی گرایی کردها مطرح شد، ولی این مسئله لزوماً ابعاد دیگری نیز داشت، مواردی همچون مسائل اقتصادی، بنیان های ایدئولوژیکی و سیاسی مشخص، که جنبش او در هر کدام دارای نقایصی بزرگ بود. البته هنوز بعد از گذشت سال ها، باز هم مسائل زیادی در این شورش نهفته است، که بسیاری از آن ها می توان با استفاده از منابع اطلاعاتی موجود در ترکیه که مربوط به فرماندهان و والیان عثمانی همچون خاطرات تو سن پاشا است، را آشکار نمود. البته در این پژوهش تا جای ممکن تلاش شد تا همه اسناد و مدارک قابل دسترس در دنیا جمع آوری و معرفی گرددند، ولی مسلمان در روسيه و عثمانی اسناد بسیار دیگری درخصوص اين شورش وجود دارند که ممکن است سالها بعد دیده و بررسی شوند.

منابع:

فهرست منابع

- ۱- افشار، علی. تاریخ خروج شیخ عبیدالله از جانب محل نوچه تبعه روم سنه ۱۲۹۷، تهران: کتابخانه و موزه نسخ خطی ملک، ۱۳۱۲ ه ق.
- ۲- افضل الملک، غلامحسین. افضل التواریخ. به کوشش سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- ۳- اوجلان، عبدالله. مانیفست تمدن دموکراتیک (مسئله کرد و رهیافت ملت دموکراتیک). برگردان آ.کاردوخ. عراق، اربیل: چاپخانه گریلا، ۲۰۱۳.
- ۴- اولسن، رابت. قیام شیخ سعید پیران. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۷.
- ۵- بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری. تهران: نشر زوار، ۱۳۵۳.
- ۶- بروزی، مجتبی. اوضاع سیاسی کردستان. تهران: فکر نو، ۱۳۷۸.
- ۷- تاریخ عبیدالله. قم: کتابخانه و موزه نسخ خطی آیت الله مرعشی نجفی. شماره ۱۰۴۴۶. ۱۲۹۹ ه ق.
- ۸- دهقان، علی. سرزمین زرتشت. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸.
- ۹- زکی بیگ، محمد امین. زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان. تهران: نشر توس، ۱۳۸۱.
- ۱۰- سنندجی، شکرالله، طبیبی، حشمت الله. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۸.
- ۱۱- شرح احوال سلطان عبدالحمید و اوضاع مملکت عثمانی. ترجمه محمد حسن خان اعتماد السلطنه. تصحیح محمد حسن کاووسی عراقی. تهران: انتشارات اسناد و دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،
- ۱۲- شرح حال عباس میرزا ملک آراء. به کوشش عبدالحسین نوابی. تهران: بابک، ۱۳۶۱.
- ۱۳- صفی زاده، صدیق. تاریخ کرد و کردستان. تهران: آتیه، ۱۳۷۸.
- ۱۴- عصمت شریف وانلی، کن达尔. نازدار، مصطفی. کردها. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: روزبهان، ۱۳۷۲.
- ۱۵- فتنه شیخ عبیدالله کرد. تصحیح یوسف بیگ باباپور و مسعود غلامیه. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۱۶- کرزن، جرج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۱۷- کوچرا، کریس. جنبش ملی کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نگاه، ۱۳۷۳.
- ۱۸- گزارش خفیه نویسان انگلیس (وقایع اتفاقیه). به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: نشر آسیم، ۱۳۸۳.
- ۱۹- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، ۱۳۷۰.
- ۲۰- محمد امین صالح. کرد و عجم (تاریخ سیاسی کردهای ایران). ترجمه رضا خیری مطلق. تهران: نشر جوانه رشد، ۱۳۹۲.

- ۲۱- محمود، محمود. روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم. تهران: اقبال، ۱۳۳۵.
- ۲۲- مک داول، دیوید. تاریخ معاصر کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانیذ، ۱۳۸۶.
- ۲۳- نادر میرزا. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اقبال، ۱۳۵۱.